



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

سیمای

امام حسین علیہ السلام

از دیدگاه اندیشمندان

غیر مسلمان

عبدالصمد پور نظامی سیمسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیمای امام حسین علیه السلام از دیدگاه اندیشمندان غیر مسلمان

نویسنده:

عبدالصمد پورنظمی سیسی

ناشر چاپی:

پینار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	سیمای امام حسین علیه السلام از دیدگاه اندیشمندان غیر مسلمان
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۸	مهاتما گاندی
۸	پورشو تاملاس توندون (هندو)
۹	جواهر لعل نهرو
۹	ساور جینی ناید
۹	رابرت ویر
۹	واشنگتن - ایرونیک
۱۰	ماربین آلمانی
۱۱	ژنرال سرپرسی سایکس
۱۱	ادوارد براون مستشرق انگلیسی
۱۱	توماس کارلایل مورخ انگلیسی
۱۲	جرجی زیدان
۱۲	نیکلسون
۱۲	فرانسیسکو - گابریلی
۱۲	گیبون
۱۳	سرویلیام مویر
۱۳	توماس ماساریک
۱۳	جستیس آ. راسل
۱۳	کاپتین. ه- نیبلت. ج. پ
۱۴	موریس دو کبری

۱۴	بولس سلامه
۱۵	بار تولومو
۱۵	کورت فریشلر
۱۶	رودولف ژایگر
۱۶	ویل دورانت
۱۶	سلیمان کتانی
۱۷	گابریل دانکییری
۱۷	جرج جرداق
۱۸	دکتر جوزف «ژوزف» مورخ فرانسوی
۱۸	ل. م. بوید
۱۸	کلودین رولو
۱۸	نتیجه
۱۹	شعر دوم
۱۹	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

سیمای امام حسین علیه السلام از دیدگاه اندیشمندان غیر مسلمان

مشخصات کتاب

سرشناسه: پورنظمی سیسی، عبدالصمد، ۱۳۳۷ -

عنوان و نام پدیدآور: سیمای امام حسین (ع) از دیدگاه اندیشمندان غیر مسلمان / عبدالصمد پورنظمی سیسی.

مشخصات نشر: کرج: پینار، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۱۷۶ ص.

شابک: ۳۰۰۰۰ ریال: ۶-۶۰-۵۶۱۶-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۳۸ - ۱۴۸.

یادداشت: نمایه.

موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴- ۶۱ ق.

موضوع: واقعه کربلا، ۶۱ ق.

رده بندی کنگره: BP۴۱/۴ پ/۸۶۴ س ۹ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۳

شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۸۵۱۷۳

مقدمه

السلام عليك يا ابا عبدالله و على الارواح التي حلت بفنائك، عليك مني سلام الله ابدًا ما بقيت و بقي الليل و النهار و لا جعله الله آخر العهد مني لزيارتكم، السلام على الحسين و على بن الحسين و على اولاد الحسين و على اصحاب الحسين. سلام بر تو یا حسین، سلام بر تو و بر ارواح پاکي که در راه تو فدا شدند، بر جمع شما (اصحاب و یاران) تا ابد درود الهی باد. در نوای زندگی سوز از حسین اهل حق، حریت آموز از حسین هر که پیمان با هوالموجود بست گردنش از بند هر معبود رست الله بای بسم الله پدر معنی ذبح عظیم آمد پسرخواست آن سر جلوه خیر الامم چون سحاب قبله باران در قدم بر زمین کربلا بارید و رفت لاله در ویرانه‌ها کارید و رفت تاقیامت قطع استبداد کرد موج خون او چمن ایجاد کرد بهر حق در خاک و خون گردیده است پس بنای لاله گردیده است خون او تفسیر این اسرار کرد ملت خوابیده را بیدار کرد رمز قرآن از حسین آموختیم ز آتش او شعله‌ها اندوختیم ای صبا ای بیک دور افتادگی اشک ما بر خاک پاک او رسان قیام امام حسین علیه حکومت سلطنتی - استبدادی یزید بن معاویه بن ابوسفیان، در سال ۶۱ هجری و تأثیر آن در جهان اسلام را مورخان و مقتل نویسان چون ابی مخنف در مقتل الحسين، ابوالفرج اصفهانی در مقاتل الطالبیین، شیخ عباس قمی در نفس المهموم، محمد باقر مجلسی در بحار الانوار، ابن طائوس در لهوف، سید شرف‌الدین عاملی در مجالس المفاخره، شیخ مفید در ارشاد، شیخ صدوق در امالی، ابوالمؤید خوارزمی در مقتل خوارزمی، ابن شهر آشوب در مناقب آل ابی طالب، عبدالله بحرانی اصفهانی در مقاتل عوالم، ملاآقا در بندی در اکسیر العبادات فی الاسرار الشهادت، سیدعبد الرزاق مرقم در مقتل الحسين، اربلی در کشف الغمه، سید محسن الامین در اعیان الشیعه، ابن اعثم کوفی در الفتوح، باقر شریف القریشی در حیاة الامام الحسين بن علی، احمد ابن یعقوب در تاریخ یعقوبی، ابوحنیفه دینوری در اخبار الطوال، مسعودی در مروج الذهب، ابن اثیر در الکامل فی تاریخ، بلاذری در انساب و الاشراف، محمد ابن جریر طبری در تاریخ الامم و الملوک، ابوعلی

مسکویه الرازی در تجارب الامم، مولا حسین واعظ کاشفی سبزواری در روضه الشهداء و ابن خلدون در العبر و ده‌ها نویسنده (مورخ) و مقتل نویس آورده‌اند که همه مسلمان هستند. تأثیر قیام سرور آزادگان جهان به قدری ژرف و گسترده است که گذشت زمان نه تنها آن را به بایگانی تاریخ نسپرد، بلکه با گذشت زمان، نویسندگان، و پویندگان راه حقیقت بیشتر به عظمت آن پی برده و تأثیر آن قیام را حتی در خارج از جهان اسلام مورد توجه قرار داده‌اند. از شگفتی‌های قیام حضرت حسین (ع) که هر چقدر از سال ۶۱ هجری قمری، سال قیام امام بیشتر فاصله می‌گیریم، مردم از هر عقیده و مسلک بیشتر به ابعاد عظمت و تأثیر قیام پی می‌برند و بر دوستداران امام و اهل بیت: اضافه می‌گردد و از جان و دل می‌گویند. کجائید ای شهیدان خدایی؟ بلا- جویان دشت کربلایی کجائید ای سبک روحان عاشق؟ پرنده‌تر زمرغان هوایی کجائید ای زجان و جا رهیده؟ کسی مر عقل را گوید «کجایی»؟ کجائید ای در زندان شکسته؟ بداده و امدماران را رهایی کجائید ای در مخزن گشاده؟ کجائید از نوای بینوایی؟ در آن بحرید کاین عالم کف اوست زمانی بیش دارید آشنایی... در این مقاله بر آن شدیم که نظرات اندیشمندان غیر مسلمان را در مورد امام حسین و عاشورا بیان کنیم. خوشتر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران

مهاتما گاندی

گاندی معمار استقلال هند و رهبر ملی مردم این کشور، برای آزادی هندوستان از سلطه انگلیس، هسته مرکزی قوی یک تشکیلات سیاسی را پایه ریزی نمود و حزب کنگره را رهبری نمود و با ترمز از قوانین، عدم تقبل پست‌های دولتی، عدم همکاری با مأموران انگلیسی و تحریم اجناس بریتانیایی، یعنی با اصل «مقاومت منفی» با سلطه انگلیس مبارزه نمود و روح آزادی و بازگشت به هویت و سنت‌های اصیل هندی را احیاء کرد. در آخرین بار که دولت انگلیس در سال ۱۹۴۲ میلادی او را بازداشت کرده گاندی هنگام توقیف، فریاد «یا مرگ یا استقلال» را سر داد. وقتی حر به امام حسین گفت: اگر جنگ کنی کشته خواهی شد. امام فرمود: مرا از مرگ می‌ترسانی؟ که برادر او ایسی ما گفته است: من حتماً می‌روم و جوانمرد را از مرگ، ننگ و عاری نیست. اگر عملش برای حق باشد... و با بذل جان خود با مردمان و نیکوکار مواسات کند و از مردم مطرود و ملعون جدا شود... این خواری برای توبس است که زنده بمانی و مورد ظلم و تجاوز قرارگیری و نتوانی از حق خود دفاع کنی، چقدر مرگ در راه وصول به عزت و احیای حق سبک و راحت است. مرگ در راه حق و عزت، زندگانی جاوید است و زندگانی با ذلت، حیاتی جزء مرگ نیست... . مرجبا و آفرین به کشته شدن در راه خدا و لیکن شما توانایی به نابودی مجدد و عظمت مرا ندارید، پس در این صورت مرا باکی از مرگ نیست «موت فی عز خیر من حیاة فی ذل» گاندی در تفحص زندگانی امام حسین و علت جاودانگی و پایداری آن به یک مسأله مهم رسیده و همانا درسی از سرور آزادگان اخذ نموده و آن را برای استقلال هند به کار بسته است، یعنی او به پیروی از امام، به مردم هند که طرفدار استقلال هند بودند اعلام نمود مرگ را به بازی و مسخره بگیرید و نترسید. «من برای مردم هند چیز تازه نیاوردم، فقط نتیجه‌ای را که از مطالب و تحقیقاتم درباره تاریخ زندگی قهرمان کربلا به دست آورده بودم، ارمغان ملت هند کردم. اگر بخواهیم هند را نجات دهیم واجب است همان راهی را بپیماییم که حسین بن علی پیمود...».

پورشو تاملاسی توندون (هندو)

تاملاسی که زمانی رئیس کنگره ملی هندوستان بود، معتقد است که با بزرگداشت قیام و خاطره شهیدان کربلا همیشه روح معنویت، آزاد زیستی، بزرگواری، فداکاری و ایثار در جامعه خواهد جوشید و جامعه از فقر فرهنگی به غنای فرهنگی و اعتلا خواهد رسید و همیشه سرزنده و در مسیر حیات معقول پیش خواهد رفت. زیرا در یاد بوده‌ها، بزرگداشت‌ها، روح حماسی، آزادی خواهی، جوانمردی، ایثار، حق خواهی، هویت مذهبی و ملی، تقویت خواهد شد. «من اهمیت بر پاداشتن این خاطره بزرگ تاریخی را می‌دانم.

این فداکاری‌های عالی از قبیل شهادت امام حسین، سطح فکر بشریت را ارتقا بخشیده است و خاطره آن شایسته است همیشه باقی بماند و یادآوری شود. «حسین مظهر آزادگی و آزادی است خوشا کسی که چنین مرام و آئین است نه ظلم کن به کسی نی به زیر ظلم برو که این مرام حسین است و منطبق دین «خوشدل تهرانی»

جواهر لعل نهرو

شهادت امام حسین و خانواده‌اش را فاجعه‌ای ذکر کرده است که هر سال در ماه محرم از طرف مسلمانان و مخصوصاً شیعیان تجدید می‌گردد و به خاطر آن سوگواری برپا می‌شود. این رفته سر به نیزه اعداء حسین توست این مانده بر زمین، تن تنها، حسین توست «صبحی بیدگلی»

ساورجینی ناید

این شاعر هندی، عزاداری عزاداران حسینی را هر سال موجب زنده نگهداشتن واقعه جانسوز کربلا می‌داند و قیام حسینی را استوار نمودن دین بزرگ حضرت محمد (ص) ذکر می‌کند که امام حسین عشق نهایی خود را به خدا با شهادتش ثابت نمود. «شب شهادت حسین مریدانش با پیراهن‌های سیاه، و پای برهنه، با چشمان اشکبار به یاد واقعه جانسوز... داستان کهن مکرر و دردناک را بیان می‌نمایند که مریدانت سراپا اندوه می‌گویید: حسین... ای حسین. چرا هزاران هزار دوست تو این طور اشک می‌ریزند؟ ای مقدس عالی مقام، آیا این‌ها برای فداکاری بی نظیر تو نیست؟ زیرا که پرچم دین بزرگ پیامبر (محمد ص) را برافراستی و در مقابل شگفتی جهانیان، عشق عجیب خود را به خدا ثابت نمودی.» در مورد واقعه جانسوز کربلا، امام حسین مکرر آنچه را که پیامبر (ص) و علی (ع) و امام حسن (ع) گفته بودند می‌دانست. در مسافرتی که پیامبر داشت، وقتی پیامبر به کربلا رسید، فرمود: «جبرئیل مرا خبر می‌دهد از زمینی که کنار فرات واقع است و آن را کربلامی گویند... و من اکنون قتلگاه و محل قبر او را می‌بینم.» حتی امام حسن (ع) به امام حسین (ع) فرموده بود که «لا یوم کیومک یا ابا عبدالله» هیچ روزی مانند روز تو (عاشورا) نخواهد بود. عیش‌ها تان نوش بادا هر زمان ای عاشقان وز شما کان شکر باد این جهان ای عاشقان نوش و جوش عاشقان تا عرش و تا کرسی رسید برگذشت از عرش و فرش این کاروان ای عاشقان گر کسی پرسید کیانید ای سراندازان شما هین بگویدش که جان جان جان ای عاشقان ما رمیت اذ رمیت از شکارستان غیب می‌جهاند تیرهای بی کمان ای عاشقان

رابرت ویر

رابرت ویر با شش محقق دیگر کتاب جهان مذهبی را در دو جلد نگاشته‌اند. در این کتاب شهادت امام حسین (ع) حادثه غم‌انگیز صدر اسلام آمده است و علت آن را عدم پذیرفتن یزید به عنوان رهبر جهان اسلام از طرف امام حسین (ع) ثبت کرده‌اند. عدم بیعت امام حسین با یزید موجب شد که یزید برای خاموش نمودن هر نوع اعتراض و مخالفتی نیروهای خویش را اعزام نماید که نتایج زیر حاصل شد: ۱- امام حسین و کلیه اعضای خانواده و تنی از یارانش در محلی به نام کربلا در عراق قتل عام شدند؛ ۲- جامعه اسلامی با شوک مواجه شد؛ ۳- مخالفت با بنی امیه تشدید شد؛ ۴- پس از شهادت امام حسین (ع) حمایت از ائمه (ع) تشدید شد. امروز را به خون شهیدان نوشته‌اند روز حسین، کشته تیغ ستمگر است روز علی سرآمد و روز حسین گشت روز پسر چو روز پدر حیرت آور است این نیست کربلا که بلا خیز شد چنین این صحنه قیامت و صحرای محشر است

واشنگتن - ایرونیگ

این مورخ آمریکایی، معتقد است که امام حسین مسئول بود. او پیشوایی امت اسلام را به عهده داشت و امام جامعه خویش بود و امام نور را شایسته نبود که خلافت امام نار را بپذیرد. از این رو فشارها و ناراحتی‌ها را تحمل نمود تا دین اسلام را از چنگال بنی‌امیه نجات دهد. یزید کسی بود که رغبت فراوان به خوش گذرانی و شکار و شراب و زن و شعر داشت. حاصل حکومت او در مدت سه و نیم سال این بود که در سال اول حسین بن علی (ع) را به قتل رساند، در سال دوم مدینه را سه روز تمام چپاول کرد و به دست یغما سپرد و در سال سوم کعبه را مورد تاخت و تاز قرار داد. واقعه جان‌گداز عاشورا چنان ناگوار و هولناک است که مورخانی نظیر محمد بن علی بن طباطبا معروف به ابن طقطقی، آن را مشهورترین مصیبت‌ها دانسته و از شدت غم و اندوه نتوانسته است در این مورد بیشتر حوادث را مورد بررسی قرار دهد. «کشته شدن حسین سرگذشتی است که به علت ناگواری و هولناکی آن دوست ندارم سخن را درباره‌اش طولانی کنم، زیرا در اسلام کاری زشت‌تر از آن به وقوع نپیوسته است. اگر چه کشته شدن امیرالمؤمنین (ع) مصیبت بسیار بزرگی به شمار می‌آید، لیکن سرگذشت حسین (ع) چندان کشتار فجیع و مثله و اسارت در بر داشت که از شنیدن آن بدن انسان به لرزه می‌افتد... زیرا که از مشهورترین مصیبت‌ها است...». ابروینیک روح این قیام را جاودانه و فناپذیر و نمونه شجاعت دانسته و نوشته است، «برای امام حسین ممکن بود که زندگانی خود را با تسلیم شدن به اراده یزید نجات بخشد، لیکن مسئولیت پیشوا و نهضت بخش اسلام اجازه نمی‌داد که او یزید را به عنوان خلیفه بشناسد. او به زودی خود را برای قبول هر ناراحتی و فشار به منظور رها ساختن اسلام از چنگال بنی‌امیه آماده ساخت در زیر آفتاب سوزان خشک و در روی ریگ‌های تفتیده عربستان روح حسین فناپذیر برپاست. ای پهلوان و ای نمونه شجاعت و ای شهسوار من حسین...».

مارین آلمانی

ماربین حضرت حسین (ع) را شخصیت سیاسی، مذهبی استثنائی در چهارده قرن اخیر دانسته، و علت جاودانگی قیام حسین را مبارزه با ظلم و ستم و جور بنی‌امیه، که غاصب حکومت بودند، ذکر کرده است. ماربین با تجزیه و تحلیل قیام عاشورا، ریشه نهضت‌های عظیم اسلامی را تا امروز در شهادت امام حسین و یاران با وفای او دانسته است که تن به بیعت با یزید را نه تنها نپذیرفتند که زندگی در حکومت یزید را ذلت و خواری می‌دانستند و از این رو برای رسیدن به مقصود عالی‌شان، خود گذشتگی و شهادت را انتخاب کردند. «... حسین تنها کسی است که در چهارده قرن پیش در برابر حکومت جور و ظلم قد علم کرد... او اول شخص سیاستمداری بود که تا به امروز احدی چنین سیاست مؤثری اختیار نموده است حسین (ع) به شعار همیشگی خود می‌گفت من در راه حق حقیقت کشته می‌شوم و دست بنا حق نخواهم داد... حسین (ع) دید حرکات بنی‌امیه که سلطنت مطلقه داشتند و دستورات اسلام را پایمال می‌کردند نزدیک است پایه‌های استوار و مستحکم اسلام را در هم ریزد و اگر بیش از این مسامحه کند نام و نشانی از اسلام و مسلمانی باقی نخواهد ماند تصمیم گرفت در برابر حکومت جور و ظلم قد علم کند... این سرباز رشید عالم اسلام به مردم دنیا نشان داد که ظلم و بیداد و ستمگری پایدار نیست و بنای ستم هر چند ظاهراً عظیم و استوار باشد در برابر حق و حقیقت چون پرکاهی بر باد خواهد رفت، مشروط بر اینکه مردمی حق طلب و حق پرست برای احیای حقیقت قیام کنند و با مبارزه فداکارانه خود دست از جان بشویند و بطلان ظلم و جور و حقانیت دین و اخلاق را با خون خود بر صفحه تاریخ گیتی ثبت کنند... حسین (ع) با قربانی کردن عزیزترین افراد خود و با اثبات مظلومیت و حقانیت خود به دنیا درس فداکاری و جانبازی آموخت و نام اسلام و اسلامیان را در تاریخ ثبت و در عالم بلند آوازه ساخت. اگر چنین حادثه جانگدازی پیش نیامده بود قطعاً اسلام و اسلامیان محو و نابود می‌گردیدند... حسین به یارانش گفت: من ننگ دارم که پسر معاویه شراب می‌خورد و اشعار هوس آلود می‌سازد... من باید قیام کنم اگر شما از این راه پر خطر می‌ترسید فوراً برگردید... ولی یارانش کشته شدن و فداکاری را بر زندگی ترجیح دادند... هدف و ایده آل حسین، جلوگیری از ظلم و ستم بود و این همه قوت قلب و از خود گذشتگی را در راه مقصود عالی خویش به

خرج داده است حتی در آخرین دقایق زندگی طفل شیرخوار خود را قربانی حق و حقانیت نمود و با این عمل اندیشه فلاسفه و بزرگان عالم را متحیر ساخت... حسین (ع) مدتها بود که خود را آماده پیکار کرد و در انتظار چنین روزی دقیقه شماری می‌کرد و می‌دانست که زنده ماندن نام جاویدان اسلام و قرآن مستلزم این است که او را شهید کنند... با شهادت حسین، زن و فرزندان او را اسیر کردند و آن وقایع دردانگیز پیش آمد یک مرتبه قبایح و فجایع اعمال بنی امیه ظاهر شد و یک مرتبه جنبش و نهضت عظیمی در مسلمانان پیدا و علیه سلطنت یزید و آل امیه قیام کردند و آنها را ظالم و غاصب نامیدند... نهضت‌های عظیم اسلامی شروع شد و دنباله آن تا به امروز امتداد یافت روز به روز واقعه بزرگ کربلا اهمیت و درخشندگی بیشتری یافت در کمتر از یک قرن سلطنت بنی امیه منهدم شد و اگر در متن کتب تاریخی نامی از این قوم ذکر شده و تعقیب آن هزاران نفرین و ناسزا هم نوشته شده... «السلام علیک یا ابا عبدالله و لعن الله امه قتلتکم و لعن الله الممهدین لهم بالتمکین من قتالکم... سلام بر حسین و لعنت خدا بر مردمی که شما را کشتند و بر مردمی که وسایل جنگ با شما را فراهم نمودند...»

ژنرال سرپرسی سایکس

اوضاع کوفه را در زمانی که حضرت امام حسین عازم کوفه بود و مسافری از کوفه به مکه می‌رفت، به امام گفت: دل‌های مردم کوفه با تو هستند اما شمشیرهای آنها برخلاف تو سرپرسی به مذاکرات طولانی حسین (ع) با عمر بن سعد توجه نموده و نتیجه آن را چنان اعلام می‌کند که امام حسین حاضر به تسلیم نشد و شجاعت بی نظیر بوجود آورد. «یاران حسینی حاضر شدند که برای دفاع از خود تا آخرین دقیقه حیات با دشمن جنگ کنند. در حقیقت شجاعت و دلاوری که این عده قلیل از خود نشان دادند، به درجه‌ای بوده که در تمام این قرون متمادی هر کس آن را شنید، بی اختیار زبان به تحسین و آفرین گشود». صاحب اخبار الطوال کسی را که اوضاع کوفه را به امام حسین توضیح داد و گفته است که آنان دل‌هایشان با تو و شمشیرهایشان بر ضد تو بود. همانا همام بن غالب معروف به فرزوق ثبت کرده است که در منطقه «صفاح» با امام دیدار کرد.

ادوارد براون مستشرق انگلیسی

او در مورد مصیبت بزرگ کربلا می‌گوید: «آیا قلبی پیدا می‌شود که وقتی درباره کربلا سخنی به گوش می‌رسد، مالا مال حزن و اندوه نگردد؟ حتی غیر مسلمانان هم نمی‌توانند پاکی روحی را که این جنگ اسلامی در برداشت انکار کنند.» روز کربلا در دل دوستداران علی و پیروان تشیع، شعله تازه و فروزان تری برافروخت و ریخته شدن خون نواده پیغمبر با وحشیانه‌ترین نوع و هزاران شکنجه و عذاب، خشم و نفرت زاید الوصفی در میان پیروان امام پدید آورد که در مصیبت کربلا دل‌ها سخت به درد آمد و از همان وقت این روح شهادت و فداکاری و حقیر شمردن مرگ به فعالیت شیعیان قدرت دائم‌التزایدی بخشید... این زمین پر بلا را نام، دشت کربلاست ای دل بی درد، آه آسمان سوزت کجاست این فضا دارد هنوز از آه مظلومان اثر گر زدود آه ما عالم سیه گردد رواست «محتشم کاشانی»

توماس کارلایل مورخ انگلیسی

کارلایل (کارلایل) در مورد ایمان استوار و اعتقاد راسخ قهرمان کربلا می‌گوید: «بهترین درسی که از تراژدی کربلا می‌گیریم این است که حسین و یارانش ایمان استوار به خدا داشته‌اند آنها با عمل خود روشن کردند که تقوی و برتری عددی در جایی که حق با باطل روبرو می‌گردد اهمیتی ندارد پیروزی حسین با وجود اقلیتی که داشت باعث حیرت و شگفتی من است.» مغلوب شد به ظاهر و غالب به خصم گشت باید زیان و سود در آخر حساب کرد شریفی

جرجی زیدان

جرجی زیدان در مورد امام حسین کتاب فاجعه کربلا را تألیف نموده است. زیدان در این کتاب با مراجعه به کتب معتبر و موثق، مختصری از تاریخ صدر اسلام و حوادث عاشورا را تا ورود اسیران کربلا به شام آورده است که در این جا به حضور اسیران در برابر یزید اشاره می‌گردد: «... منظره سر بریده حسین (ع) همه را متأثر و محزون ساخت... وقتی چشمان یزید بر سر بریده افتاد سر تا پا بلرزید و دانست چه عمل بزرگ و فجیعی را مرتکب شده است...» «عجیب است که یزید به حضرت زینب (س) گفت: پدر و برادرت (علی و حسین) از دین خارج شدند. زینب گفت: تو و پدر و جدت به دین خدا و دین پدر و برادر و جدم داخل شدید. مضمون نامه عبیدالله بن زیاد به عمر بن سعد که شمر فرستاد، چنین است: «من ترا به طرف حسین نفرستادم که با او به ملائمت و خوشی رفتار کنی و به او امان دهی... اگر تسلیم شدند پیش من بفرست و گرنه با آنها بجنگ و همگی را به قتل برسان، زیرا مستحق کشته شدن می‌باشند... اسب‌ها را از روی نعلش آنها بگذرانند اگر اوامر ما را اجرا کنی پاداشی خوبی به تو خواهم داد و گرنه از کار کناره گیری کن، شمر بن ذی الجوشن فرماندهی کل را به عهده خواهد گرفت...» سرنی در نینوا می‌ماند اگر زینب نبود کربلا- در کربلا- می‌ماند اگر زینب نبود در عبور از بستر تاریخ، ز سیل انقلاب پشت کوه فتنه‌ها می‌ماند، اگر زینب نبود «قادر طهماسبی»

نیکلسون

نیکلسون می‌گوید: «بنی امیه طغیان‌گر بودند و قوانین اسلامی را نادیده انگاشتند. مسلمین را خوار نمودند و صاحبان اصلی حکومت را کشتند. بنابراین، تاریخ از روی انصاف حکم می‌کند که خون حسین (ع) به گردن بنی امیه است.» نیکلسون در جایی دیگر حادثه کربلا را موجب اتحاد می‌داند و تأثیر آن را در ایران ذکر می‌کند. «حادثه کربلا مایه پشیمانی و تأسف امویان شد زیرا این واقعه شیعیان را متحد کرد و برای انتقام حسین هم صدا شدند و صدای آنها در همه جا و مخصوصاً نزد ایرانیان که می‌خواستند از نفوذ عرب آزاد شوند، انعکاس یافت.» «پرچم دین چون به جا ماند از فداکاری او تا قیامت پرچمش را دست حق بر پا کند ابتدا قانون آزادی نویسد در جهان بعد از آن با خود هفتاد و دو تن امضاء کند «آستانه پرست»

فرانسیسکو - گابریلی

استاد دانشگاه رم معتقد است که قیام حسین موجب گسترش شیعه در ایران، عراق و آفریقا شد و امام جزییات حوادث عاشورا را می‌دانست: «حسین (ع) در حال عادی از سرنوشت خود اطلاع نداشت اما همین که در صدد می‌آمد به سرنوشت خود فکر کند تمام وقایع سرزمین کربلا را نه فقط بطور کلی بلکه به طور جزئی می‌دید... انعقاد مجالس تذکر برای حسین (ع) از طرف شیعیان در قرن چهارم هجری متداول شد در این قرن طوری مذهب شیعه وسعت بهم رسانید که نه فقط در ایران و عراق توسعه یافت بلکه تا آفریقای شرقی هم رفت و ایرانیانی که از ایران به آفریقای شرقی مهاجرت کردند آن مذهب را با خود بردند و مساجدی در سرزمین سومالی و کنیا ساخته شد... مذهب شیعه دوازده امامی در قرن چهارم تا قاره آفریقا و تا ماداگاسکار رفت...». گابریلی، سلطه آل بویه و توسعه شیعه را نتیجه تبلیغات و بزرگداشت روز دهم محرم سال (۶۱) عاشورا ذکر نموده است.

گیون

گیون مورخ انگلیسی معتقد است اگر کسی حسین را نشناسد اما حوادث عاشورا را مطالعه کند، هر چند سنگدل هم باشد یک نوع

محبت و مهربانی در دلش به حسین (ع) احساس خواهد کرد. «با آنکه مدتی از واقعه کربلا گذشته و ما هم با صاحب واقعه هم وطن نیستیم، مع ذلک مشقات و مشکلاتی را که حضرت حسین (ع) تحمل نموده، احساسات سنگ دل‌ترین خواننده را بر می‌انگیزد. چندان که یک نوع عطوفت و مهربانی نسبت به آن حضرت در خود می‌یابد.»

سرویلیام مویر

مویر می‌نویسد: «فاجعه کربلا نه تنها مقدرات خلافت، بلکه مقدرات ممالک اسلامی را تعیین کرد. کیست که آن عزاداری پرشور و هیجان را ببیند و بداند که هر سال مسلمین کلیه کشورهای جهان چگونه از شام تا بامداد به سینه (عزاداری) می‌کوبند و با آهنگ موزون و محزون خود بی آنکه خسته شوند، مجنون وار فریاد می‌زنند: حسین، حسین، حسین، و حربه برنده و شمشیر دو دمی را که سلسله بنی امیه بدست دشمنان خود داده است، تشخیص ندهد.» باز محرم شد و لوای ماتم بیاست ماتم سلطان عشق شهید کرب و بلاست به عرض خلد برین فرقه کروبیان حلقه ماتم زده صاحب ماتم خداست «سید احمد دهکردی» ۱۶- چارلز دیکنس این نویسنده انگلیسی در قیام عاشورا هیچ گونه خواست مادی را دخیل ندانسته و فداکاری آن روز را صرفاً برای اسلام دانسته است. «اگر منظور حسین (ع) جنگ در راه خواسته‌های دنیایی خود بود، من نمی‌فهمم چرا خواهران و کودکانش را همراه خود برد؟ پس عقل چنین حکم می‌کند که او به خاطر اسلام فداکاری خویش را انجام داد.» به قتلگاه اندر، جلوه عشاق بین یکی جدا دست او، یکی سر از تن جداست حسین (ع) لب تشنه شد شهید در راه حق به روز حشر و جزا هم خونبهاست «سید احمد دهکردی»

توماس ماساریک

توماس ماساریک مصیبت‌های امام حسین (ع) را با حضرت عیسی (ع) مقایسه نموده، می‌نویسد: «مصائب مسیح نسبت به مصائب حسین (ع) مانند پرکاهی است در برابر کوهی بزرگ.» باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین بی نفخ صور خاسته بر عرش اعظم است «محتشم کاشانی»

جستیس آ. راسل

جستیس شاعر انگلیسی به بی ادبی سپاه ستم پیشه یزید اشاره می‌کند و منظره غم‌انگیز آن را چنین می‌نویسد: «... آن‌ها دهان مبارک امام را با شلاق‌های خود نواختند. ای دهانی که من بارها مهبط ملانکه و هنگام طفولیت فروهشته بر لب پیامبر دیده‌ام، ای بدنی که زیر پای ستوران خوار شدی. این همان بدن پاکی است که بینندگان را مسحور می‌کرد. خونی که از رگ‌های مبارکت ریخته و خشک شده، معجونی آسمانی است که تا کنون هیچ سم اسبی با چنین رنگ الهی رنگ نشده است. ای زمین برهنه و بایر کربلا که در روی تو نه علفی است و نه چمنی، برای ابد آهنگ حزن و آه بر تو پوشیده باد چون که در سرزمین تو بدن پاره مقدس پسر فاطمه (ع) افتاده است که روح خویش را به خدا تقدیم نمود.» ای قوم در این عزا بگریید بر کشته کربلا- بگریید دل خسته ماتم حسینید ای خسته دلان هلا بگریید تا روح که متصل به جسم است از تن نشود جدا بگریید بر جور و جفای آن جماعت یک دم ز سر صفا بگریید «سیف فرغانی»

کاپتین. ه- نیلت. ج. پ

نیلت، به آخرین شب حیات بابرکت امام در کربلا اشاره می‌نماید که امام حوادث روز عاشورا را به یارانش توضیح داد و فرمود کسانی که با حسین بمانند جز به مرگ نیندیشند. از این رو از همه خواست که در تاریکی امام را ترک نمایند. «آن شب هنگامی که

آتش اردوها در اطراف او در بیابان شعله می‌زد، امام پیروانش را جمع کرد و در یک سخنرانی طولانی و قلب نواز گفت: کسانی که با من بمانند فردا شهید خواهند شد. سپس عمل بسیار زیبایی انجام داد که نشانه آگاهی کامل او از ضعف بشری و قدرت روح فداکاری وی و علامت قلب رئوف آن بزرگوار بود... به پیروان خود گفت که هر کس جرئت و قوت ایستادگی و شهادت را در خود نمی‌بیند در تاریکی به طور ناشناس و بدون خجالت برود. صبح روز عاشورا که ابرهای ارغوانی در آسمان شرق جمع می‌شد هفتاد و یک نفر با ایمان دور امام را گرفتند و همگی آماده مرگ و شهادت بودند. یکی از مقتل نویسان شب عاشورا را چنین نقل می‌نماید: «حسین بن علی یارانش را جمع کرد و پس از حمد و ثنای خدا گفت: خدایا تو را می‌ستایم که ما را به وسیله نبوت گرمی داشتی به ما قرآن آموختی در دین بصیرت‌مان عنایت کردی... من هیچ کس را شایسته و بهتر از یاران خود و هیچ خاندانی را صادق‌تر و متحدتر از خاندانم ندیده‌ام. خداوند از جانب من بهترین پاداش به شما بدهد... بدانید که من همه شما را آزاد کرده و بیعت خود را از شما برداشتم، تاریکی شب پوشش مناسبی است که سواره شده و بروید... زیرا اینان مرا خواسته و اگر به من دست یابند دیگران را دنبال نمی‌کنند... جوابی که شنیده شد سوگند به خدا چنین نمی‌کنیم، بلکه جان و مال و خانواده خود را فدایت کرده و همراه تو می‌جنگیم تا به خواسته ات برسیم خداوند زندگی بدون تو را زشت گرداند». صاحب لهوف آخرین شب زندگانی امام حسین (ع) را چنین می‌نگارد: «چون شب عاشورا در رسید، حضرت سیدالشهدا (ع) اصحاب و یاران خود را جمع نمود و شرایط حمد و ثنا الهی به جا آورد و به یارانش فرمود من هیچ اصحابی را صالح‌تر و بهتر از شما و نه اهل بیتی را فاضل‌تر و شایسته‌تر از اهل بیت خویش نمی‌دانم. خدا به همگی شما جزای خیر دهد، اینک تاریکی شب شما را فرا گرفته است هر یک از شما دست یکی از مردان اهل بیت مرا بگیرد و در این شب تاریک دور من متفرق شوید؛ زیرا اراده دشمن به جز من نیست... پس از حضرت حسین (ع) جمله به سخن در آمدند و نخست قمر بنی هاشم، جناب ابوالفضل العباس (ع) گفت: بعد از تو در دنیا چگونه زنده بمانیم؟ هر گز خدا چنین روزی را به ما نشان ندهد و سایر برادران نیز تابع او شدند. سپس آن حضرت نظری به فرزندان عقیل نمود و فرمود: مصیبت مسلم بن عقیل شما را بس است. من شما را اذن دادم به هر جا که خواهید بروید... پاسخ شنیده شد... یابن رسول الله، هر گز از تو جدا نمی‌شویم و لکن خویش را سپر بلا می‌نماییم تا در پیش روی تو کشته شویم در هر مورد که تو باشی ما هم با تو خواهیم بود خدا زندگانی را بعد از تو زشت گرداند».

مورس دو کبری

مورخ اروپایی در مورد کسانی که به عزاداری امام حسین پس از قرن‌ها خرده می‌گیرند، می‌گوید: «اگر تاریخ نویسان ما حقیقت روز عاشورا را درک می‌کردند، این عزاداری را غیر عادی نمی‌پنداشتند. پیروان حسین (ع) به واسطه عزاداری به امام می‌دانند که زبونی و پستی و زیر دستی و استعمار و استثمار را نباید قبول کنند؛ زیرا شعار امام و پیشوای آنان تن ندادن به ظلم و ستم بود. حسین در راه شرف و ناموس و مردم و بزرگی مقام و مرتبه اسلام از جان و مال و فرزند گذشت و زیر بار استعمار و ماجراجویی‌های یزید نرفت. پس بیاید ما هم شیوه او را سرمشق خود قرار داده و از ظلم یزیدیان، بیگانگان خلاصی یافته و مرگ با عزت را بر زندگی با ذلت ترجیح دهیم، و این است خلاصه تعالیم اسلام. ملتی که از گهواره تا گور تعلیماتش چنین است، پیداست دارای چه مقام و مرتبتی خواهد بود چنین ملتی دارای هر گونه شرف و افتخار هست چون همه سرباز حقیقت و عزت و شرافت‌اند». درس آزادی به دنیا داد رفتار حسین بذر همت در جهان افشاند افکار حسین حق و باطل را به خون خویش کرد از هم جدا آری آری تا ابد بر جاست آثار حسین گر نداری دین به عالم لااقل آزاده باش این کلام نغز می‌باشد ز گفتار حسین «فضل الله صلواتی»

بولس سلامه حقوق دان و نویسنده مسیحی بیروتی می‌گوید: «شب‌هایی که بیدار بودم و با درد و رنج می‌گذراندم و افکار و تخیلاتم مرا به یاد گذشتگان کشاند و در تاریخ گذشته دو شهید بزرگ امام علی (ع) و سپس امام حسین را به یاد من آورد، یک بار به مدت طولانی در علاقه به آن دو بزرگوار گریستم، سپس شعر علی و حسین سروده‌ام».

بار تولمو

به مسئله‌ای تازه در تاریخ اشاره می‌نماید که حکایت از ارتباط ایرانیان با امام حسین دارد که نماینده امام حسین در پنج فرسخی کوفه در محلی به نام «سلوجی» برای ایرانیان به زبان فارسی سخنرانی کرد و حکومت یزید را برای ایرانیان افشاء نمود. «در ۱۷ رجب سال شصتم هجری نماینده امام حسین (ع) در سلوجی نطقی به زبان فارسی نمود... از روزی که یزید به جای پدر در دمشق نشست فسق و فجور در دستگاه علنی شد... در آمد بیت المال فقط صرف پرداخت مستمری کسانی می‌شود که می‌توانند وسائل فسق و فجور یزید را فراهم نمایند و زن‌های بیوه و یتیمانی که شوهر و پدرشان در جنگ کشته شده‌اند در بلاد اسلامی تکدی می‌کنند و هیچکس به فکر تأمین زندگی آن‌ها نیست. احترام خانواده نبوت رفته... حسین (ع) مشاهده می‌نماید حکومت ظلم و فساد عن قریب اسلام را از بین خواهد برد تصمیم گرفته است... برای نجات اسلام از ظلم و ستم اقدام کند.»

کورت فریشلر

کورت فریشلر آلمانی در مورد امام حسین، کتاب «امام حسین و ایرانیان» را نوشته است. فریشلر در این کتاب اسناد و مدارک را دقیقاً ثبت نکرده است و به حضور نماینده امام در ایران «شهر ری» و آشنایی کم و بیش امام حسین به زبان فارسی و علاقه متقابل امام و ایرانیان، و حرکت امام حسین از مکه به کربلا و فعالیت مسلم بن عقیل در کوفه و حادثه کربلا و اوضاع ایران و تأثیر خون حسین و نفرین زینب (س) در سقوط اموی اشاره نموده است. کورت فریشلر طرفداری کارگر ایرانی در کوفه به نام عباس بذائی (اردبیلی) از مسلم بن عقیل و کشته شدن او توسط سربازان محمد ابن اشعث را ذکر نموده فریشلر در مورد جنگ تن به تن در روز عاشورا می‌گوید: «در عاشورا جنگ تن به تن از بامداد تا ظهر ادامه داشت و تو گویی قضا و قدر تعمد داشت که آن روز، جنگ به آن شکل ادامه پیدا کند... که تا آخرین لحظه ناظر صحنه‌های از خود گذشته‌گی سربازان حسین و خود او بشوند و حتی اندکی از آن فاجعه‌ها از نظرشان محو نگردد». در مورد علاقه ایرانیان و حمایت آن‌ها از امام حسین، فریشلر به نقل از ابو علی سیمجور ذکر می‌کند که عده‌ای از ایرانیان کوفه به سوی قادسیه رفتند و به کربلا رسیدند... و خود را به امام حسین رساندند. حسین گفت: پس بدانید که من و کسانی که نسبت به من وفا دارند فردا به قتل خواهیم رسید و شما از راهی که آمده‌اید برگردید تا کشته نشوید... ایرانی‌ها گفتند: کشته شدن در راه تو برای ما سعادت است... که بین (۲۰ تا ۳۰) نفر مرد ایرانی در کربلا ماندند و فقط اسم (برویج = پرویز) معلوم است. همچنان که ذکر شد در این کتاب اسناد و مآخذ دقیقاً درج نشده است و مورخان نیز در این مورد (شرکت ایرانیان در کربلا) سخنی ذکر نکرده‌اند که فریشلر در این مورد می‌گوید: «مورخان نام ایرانی‌ها را تعمداً ذکر نکرده‌اند؛ زیرا خلفای عباسی با آن که به کمک ایرانی‌ها سر کار آمدند با ایرانی‌ها عداوت داشتند خلفای اموی نیز خونخوارترین افراد را مأمور اداره ایرانیان می‌نمودند و نمی‌توان تردید داشت که یکی از علل علاقه‌مندی ایرانیان به علی و فرزندانش ناشی از کینه بنی امیه به ایرانیان بود و علی (ع) و فرزندانش بر عکس بنی امیه به ایرانیان علاقه داشتند... مورخان به خاطر بیم از بنی امیه اسم ایرانیان را که از حسین حمایت کردند از قلم انداختند». در این کتاب به شرکت (۲۰ تا ۳۰) ایرانی در کربلا و شهادت آن‌ها به نعمان بن ابی‌عبدالله و قاضی سعد الدین ابوالقاسم عبدالعزیز معروف به ابن براج استناد نموده است. فریشلر معتقد است که کاروان حسین در کربلا حداکثر ۲۰۰ نفر بوده و حال آن که حداکثر سپاه پیاده و سوار علیه امام سی هزار نفر بودند. حماسه حسینی با توجه به مقایسه دو سپاه یکی از

حماسه‌های رزمی بزرگ جهان است: «کشته شدن حسین و یارانش قطع نظر از هر نوع نظریه ایدئولوژی از لحاظ شجاعتی که از آن مرد (بزرگ) و یارانش به ظهور رسید، یکی از حماسه‌های رزمی بزرگ جهان است آدمی وقتی نوشته مورخان را در خصوص روحیه حسین (ع) می‌خواند، حیرت می‌کند که آن مرد دارای چه ایمان و اراده‌ای بود که آن موقع از مشاهده سر شکافته و خونین پسرش (علی اکبر) ... گریه نکرد و ننالید و گفت خدایا این قربانی را در راه دین برحق خود، اسلام بپذیر. به نظر می‌رسد که فریشرلر به جای علی اصغر، علی اکبر را نوشته است. چرا که پس از اصابت تیر حمله بن کاهل اسدی به علی اصغر (ع) امام حسین (ع) خون او را به آسمان پاشید که حتی قطره‌ای از آن خون به زمین نیفتاد. از نظر کورت فریشرلر، نطق زینب در کوفه هم در مردم تأثیر نمود و هم روحیه نستوه و خلل‌ناپذیر او را نشان داد و هم جوابی دندان شکن در جمع به عیب‌الله زیاد داد. «نطق زینب در مردم خیلی اثر نمود... اولین بار بود که یک زن در کوفه، با صدای بلند برای مردم نطق می‌کرد... از روزی که شهر کوفه از صدر اسلام بنا شد تا آن روز اتفاق نیفتاده بود... زنی که حرف می‌زد یک اسیر بود و نطق کردن یک مرد اسیر یک پدیده خارق العاده جلوه می‌نمود تا چه رسد به اینکه یک زن اسیر نطق نماید که... ما عظمت خود را از دست نداده‌ایم ما از خانواده رسالت هستیم و مباحث می‌کنیم که مردان ما در راه حق کشته شده‌اند و ما اسیران رنج را جهت پیروی از حق تحمل می‌نماییم... برادرم با جدش رسول الله در بهشت است... ولی آن‌ها که برادرم را کشتند در این دنیا ملعون می‌شوند... در دنیای دیگر در قعر جهنم‌اند...» به نوشته فریشرلر، علی بن حسین (ع) (امام زین العابدین) در دمشق بستر بیماری بود پزشکی ایرانی - که از پزشکان جندی شاپور به نام بختیشوع بود امام را معالجه کرد و تجویز دارو نمود. امام حسین در کربلا کمک ملائکه را نپذیرفت. جبرئیل آمد که ای سلطان عشق یکه تاز عرصه میدان عشق دارم از حق بر تو ای فرخ امام هم سلام و هم تحیت هم پیام که امام حسین (ع) جواب داد: جبرئیل رفتنت زینجا نکوست پرده کم شو در میان ما و دوست قصه کوتاه شمر ذی الجوشن رسید گفتگو را آتش خرمن رسید... «عمان سامانی»

رودولف ژایگر

این نویسنده آلمانی که کتاب «خداوند علم و شمشیر» را در مورد حضرت علی نوشته است در مورد امام حسین می‌نویسد که امام علی (ع) به پسرش مأموریت داد که با ایرانیان (اسیران) صحبت نماید و قرآن و معنی آن را آموزش دهد چرا که فارسی را به خوبی می‌دانست.

ویل دورانت

ویل دورانت که کتاب نفیس تاریخ تمدن را نوشته است در همان کتاب به تجلیل حسین از طرف پیروانش بعد از قرن‌ها اشاره می‌کند: «شیعیان در کربلا در جایی که حسین (ع) به قتل رسیده به یادگار وی زیارتگاه بزرگی ساخته‌اند و هنوز هم هر ساله حادثه غم‌انگیز قتل وی را نمایش می‌دهند و عزاداری می‌کنند و از یادگار علی و دو فرزندش حسن و حسین (ع) تجلیل به عمل می‌آورند».

سلیمان کنانی

این نویسنده در کتاب ارزشمند «علی ابن ابیطالب نبراس و مبراس» ظلم و ستم یزید را چنان دانسته که هنوز هم صدای خون خواهی حسین از پس قرن‌ها به گوش می‌رسد. «ای معاویه... پسرت یزید کاری که کرد این بود که با حسین بنای خشونت و بی‌رحمی را گذاشت سرش را برید و به عنوان هدیه شیرینی به خواهرش زینب داد تا به کربلا آید و فریاد شیون از نای شیعه و طرفدارانش برآید که هنوز هم، به خون خواهی حسین بلند است. تا چرخ سفله بود خطایی چنین نکرد بر هیچ آفریده جفایی چنین نکرد ترسم تو

را دمی که به محشر در آورند از آتش تو دود به محشر در آورند فریاد از آن زمان که جوانان اهل بیت گلگون کفن به عرصه محشر قدم زنند «محتشم کاشانی»

کابریل دانگیری

دانگیری در کتاب «شهسوار اسلام» به علاقه ایرانی‌ها به امام حسین اشاره نمود و بی‌اعتنایی امام به نصیحت فرزدق را ذکر می‌کند که فرزدق به امام گفت: «اندکی تأمل کنی تا کنون قلب‌های مسلمین با شماسست ولی شمشیر آن‌ها با پسر معاویه است. امام حسین (ع) به نصیحت او اعتنا نکرد». او در مورد وحشی‌گری سپاه یزید و تأثیر قیام امام چنین می‌نویسد: «سربازان یزید در آن روز (عاشورا) چنان وحشیگری و سبیتی از خود نشان دادند که تا آن روز کسی نظیر آن را به خاطر نداشت، آن‌ها حتی به کودکان شیرخوار و خردسال رحم نکردند و سر خونین حسین به دمشق فرستاده شد و یزید پنداشت که دیگر با این پیروزی خواهد توانست از لذت صلح و آرامش بهره‌مند گردد... اما خاطره آن هر سال تا به امروز در میان سیل اشک و نوحه خوانی‌ها و مرثیه‌ها تجدید می‌گردد. غیرت (پیروان) امام را به جوش آورد و میل انتقام را بیش از پیش در آنان تقویت نمود». هنگامی که حسین کشته شد بر بدنش جای ۳۳ نیزه و ۳۴ ضربه شمشیر یافتند. خولی سنان بن انس سر امام را از بدنش جدا کرد و به خولی سپرد و لباس‌های امام را در آوردند و به سوی خیمه‌ها روی آوردند و آن‌ها را غارت کردند. و به زنانی که برای حفظ لباس‌هایشان مقاومت می‌کردند، هجوم بردند و غارت‌شان کردند. گشتند انبیاء همه گریان و بوالبشر بر چشم‌تر ز شرم نبی آستین گرفت کردند پس به نیزه، سری را که آفتاب از شرم او نهفت رخ زرد در آفتاب «صبحاحی بیدگلی»

جرج جرداق

جرج جرداق، در مورد یزید و سرداران او چنین می‌نویسد: «یزید وارث همه بدی‌های اسلاف خود بود و از آن‌ها نیز فزون داشت از هر نوع شرارت و فساد و اعمال شیطانی که دیگر مردمان بدکار و بی‌آبرو دارند یزید بهره گرفته بود، آن اندازه که یزید شیفته لذت و شهوت بود دیگران نبودند گویند در اسب دوانی خواست بر بوزینه (میمون) سبقت جوید، از اسب افتاد و مرد. اگر به قول یزید، پدرش معاویه لشکری از عسل زهر آمیز داشت. یزید لشکر زهر ناب داشت در عصر او تعصب جاهلیت اموی کامل شد... کسی از اخلاق انسانی بی‌بهره‌تر از یزید نبود. همان که فاجعه کربلا را برپا کرد. هیچ کس در خلق انسانی کامل‌تر از حسین بن علی (ع) نبود که در آن واقعه شهید شد. در یزید همه صفات زشت و ننگین و ریاست طلبی و سودجویی و جلادان خون ریز و بی‌اراده وجود داشت. در آن طرف؛ یعنی فرزندان علی (ع) همه صفات عالی و ستوده انسانی خلق کریم و شجاعت و آزادگی و شهادت به کمال و تمام بود. حسین (ع) در شب آخر عمر به اصحاب اندکش گفت: از من جدا شوید و جان خود را حفظ کنید. اما اصحابش راضی نشدند مگر جان در راه او بدهند... مسلم بن عوسجه گفت: چگونه تو را رها کنم که حق تو را اداء نکرده‌ایم. با نیزه و شمشیر و سنگ با دشمن تو می‌جنگیم که وقتی او جان به جان آفرین تسلیم می‌نمود حبیب بن مظاهر گفت: ای مسلم در پی تو خواهیم آمد که حر بن یزید ریاحی چون زشتی اعمال یزید و یاران او را با فضائل پسندیده حسین و جان نثاری اصحاب او را دید، دلش بیدار شد و از مناصب دنیا گذشت. یاران حسین شهادت در راه او را غایت شرف و مجد می‌دانستند. آسان‌ترین کار برای عبیدالله بن زیاد مثله کردن و کشتن بی‌سبب بود. شمر بن ذی‌الجوشن چون وحشی‌ترین حیوان‌ها بود و اسب‌ها بر جنازه شهیدان تازاند و بر کودکان خردسال ستم‌ها کردند و بدن‌شان قطعه قطعه کردند. چون امام مثنی‌آب از فرات برداشت حصین بن نمیر تیری به دهان حضرت زد. و قهقهه زد. عمر بن سعد به دلیل پست و مقام، لشکریان را گواه گرفت که او نخستین تیر را به جانب اولاد علی رها کرده‌است. مسلم بن عقبه اهل مدینه را ذبح نمود و سه روز شهر مدینه را بر لشکرش مباح ساخت...» مأموران یزید

می‌گفتند در این کشتار سهم ما چقدر است اما یاران حسین می‌گفتند: اگر ۷۰ (هفتاد) بار کشته شویم با تو هستیم.

دکتر جوزف «ژوزف» مورخ فرانسوی

ژوزف ذکر مصیبت در مورد فضائل نبی و خاندان عصمت و طهارت را موجب آگاهی مسلمانان، به خصوص شیعه به مسائل مذهبی می‌داند. «شیعیان در ایام عزاداری به ذکر و استماع مصائب حسین (ع) می‌پردازند و می‌کوشند که فضائل خاندان نبوت و رنج‌های آنان را به نیکوترین وجهی بیان کنند... امروز هر نقطه عالم، مسلمانان شایسته‌ترین افرادی هستند که به شناخت علوم و قوف یافته‌اند و به ویژه شیعه که بر سایر فرق اسلامی مزیت دارند.»

ل. م. بوید

گویا این شخص، این نویسنده غربی در محفل حسین شرکت نموده و مختصری از تاریخ عاشورا را برایش توضیح داده‌اند که در این مورد چنین اظهار نظر نموده است: «در طی قرون افراد بشر همیشه جرئت و پردلی و عظمت روح و بزرگی قلب و شهادت روانی را دوست داشته‌اند و در اثر همین هاست که آزادی و عدالت هرگز به نیروی فساد و ظلم و ستم تسلیم نمی‌شود. این بود شهامت و این بود عظمت امام حسین و من مسرورم که در چنین روزی با کسانی که این فداکاری عظیم را از جان و دل ثنا می‌گویند، شرکت کردم هر چند که ۱۳۰۰ سال از تاریخ آن گذشته است.»

کلودین رولو

مفسر روزنامه لوموند در مورد امام حسین و عاشورای نویسد: «شیعیان هر سال ماه محرم به تذکر واقع کربلا و مصیبت امام حسین (ع) که نمادی از دلیری، عدالت علیه تجسم پلیدی و نیروی شقاوت است می‌پردازند و ستمگران عصر را به یزید و اشقیاء تشبیه می‌کنند.»

نتیجه

با توجه به آنچه گفته شد: قیام امام حسین و یارانش با اینکه سیزده قرن پیش روی داد، با گذشت زمان نه تنها از فراموش نگشته، بلکه بر شمار هوا داران امام افزوده گشته و ابعاد قیام از نظر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی... روشن تر شده. مظلومیت امام و یارانش باعث ظلم و جور بنی امیه چندان نیاید که حکومت سفاک بنی امیه پایه‌هایش سست و لرزان شد. قیام امام محصور زمان و مکان نگردید و هر زمان که مسلمین و غیر مسلمین (آزادگان) به عمق قیام و فلسفه آن پی بردند، به آسانی توانستند به پیروی از امام حسین حکومت‌های ظلم، استعمار، استثمار و استبداد را شکست دهند و ضرورت وجود رهبری صالح «امامت» در جامعه احساس گردید. با بزرگداشت و تذکر این روز بزرگ (عاشورا) تامل‌های هندی گفته است، در جامعه جهانی، به خصوص در جامعه اسلامی تاابد بذر روح معنویت، فداکاری، ایثار موجب تقویت روح همبستگی، حق خواهی و ارتقاء فرهنگی پاشیده شد و قیام امام حسین ثابت کرد که نتیجه کار انسان در این جهان هم ماندگار است که در یک طرف اعمال و حشیانه و ستم و جور یزید و در طرف مقابل صفات عالی انسانی به تمام و کمال است که همه بر آن لعن و نفرین نموده و طرف مقابل را نه تنها تحسین نموده بلکه به عنوان مظهر و الگو پایداری، شجاعت و پیروزی و حق طلبی و آزادی و ثبات در طریق حق و عدالت و ظلم ستیزی و استواری دین و صلاح جامعه، بهترین و والاترین نمونه پیروزی اقلیت بر اکثریت است. و این است که حرکت در راه خدا، شهادت برای خدا و دفاع از مظلوم و ناموس مردم، اصلاح امت، جهاد برای نشر فضایل دین و دفع رذایل همیشه موجب سعادت و رستگاری است، هر چند که

به ظاهر با شکست توأم باشد. مجالس تذکر عاشورا و زیارت عاشورا... برای این است که روح حسین (ع) همیشه و در همه جا برای احیاء حق و احقاق آن است. اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد و مماتی ممات محمد و آل محمد. خدایا زندگی و مرگمان را مانند زندگی و مرگ خاندان رسالت قرار بده. حسن ختام این مقال را به اشعار دو شاعر مشهور آذربایجان، - شعرای اهل بیت (ع) - مزین می‌نماییم: برادر بی تو در چشمم جهان تنگست می‌نالم فلک را بی سبب با من سر جنگست می‌نالم به صید آشیان گم کرده مرغ بی پرو بالی زهر سو دامن قومی پر از سنگست می‌نالم نه زنجیر جفا بر گردنم تنگست از آن گویم که عنقا را ز طوق آهنین تنگ است می‌نالم اگر صبح قیامت را شبی هست آن شب است امشب طیب از من ملول و جان ز حسرت بر لبست امشب سرت مهمان خولی و تنت با ساریان همدم مرا با هر دو اندر دل هزاران مطلبست امشب صبا از من به زهرا گویا شام غریبان بین که گریان دیده دشمنی به حال زینبست امشب

شعر دوم

بو همان گوندور حسین با شسبیز قالب زینب مظلومه قار داشسبیز قالب عرش اعلا ده حسینون یا سید ور کربلا صحرا سی قان دریا سی دور کربلا ده با شلانوب محشر بوگون بو همان گوندور حسین با شسبیز قالب ساکنان آسمان قان آغلوری قدسیان کروبیان قان آغلوری با شلا نوبدور محشر کبری بوگون وای حسینم وای دیر زهرا بوگون...

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در

نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

